

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: هیأت تحریریه سایت «۱۰ مهر»  
فرستنده: علی مشرف  
۱۲ می ۲۰۲۳

## تحولات اخیر در خاورمیانه

(۱)



ورود همه‌جانبه اقتصادی – سیاسی چین به خاورمیانه، امکان جدیدی برای تشنج‌زدائی در منطقه و رهائی از زنجیرهای اقتصادی که غرب به پای کشورهای منطقه بسته است، فراهم می‌کند. این روند به‌همراه پیشروی روسیه در جنگ سرنوشت سازش با ناتو در اوکراین، تحقیر بزرگی برای امپراتوری است. لذا همان‌طور که په په اسکوبار از زبان بزروکوف کارشناس روسی مسایل بین‌المللی نقل می‌کند امپراتوری در عکس‌العمل به این تحقیرهای عظیم در پی آنست که جنوب اوراسیا – از ترکیه تا چین و همچنین منطقه خاورمیانه را به مدد اسرائیل – به آتش بکشد. بنابراین جای تعجب نیست که این مناطق که به سرعت در حال توسعه هستند به‌طور بالقوه توسط قدرت هژمون به انبار باروتی بدل شوند. امپراتوری سعی دارد با استفاده از تلاش‌های سازمان‌های جاسوسی خود، برای تحقق مرزهای سوال برانگیزی که ابتداء در نقشه "خاورمیانه جدید" مطرح شد، درگیری‌های نظامی در منطقه به‌راه بیندازد. امید امپراتوری به دامن زدن تشنج در مناطقی مانند کشمیر، ارمنستان – آذربایجان، اسرائیل و همسایگانش، و نیز تحریک تمایلات جدائی طلبانه‌ای (چون بلوچستان و کردستان) است (۲۳). بزرگترین مشکل برای کشورهای این مناطق حفظ ثبات داخلی در طول این دوران گذار به جهان چندقطبی است. و این ثبات داخلی تنها به بهای کسب مشروعیت این دولت‌ها در میان مردم هر کشور، به‌دست می‌آید.

در جون سال ۲۰۰۶، کاندولیزا رایس، وزیر امور خارجه ایالات متحده با وام گرفتن گفته‌ای از زیبگنیو برژینسکی، مشاور پیشین امنیت ملی امریکا، در کنفرانسی مطبوعاتی در تل ابیب با حضور اهود اولمرت، نخست‌وزیر اسرائیل، برای نخستین بار عبارت «خاورمیانه جدید» را به‌کار برد. عبارتی که قصد آن بازتعریف مرزها و تقسیم‌بندی آتی

منطقه خاورمیانه بود. رایس در واقع از بخش خاورمیانه‌ی طرح نئوکان‌ها برای سلطه هم‌جانبه آمریکا بر جهان سخن می‌گفت.

۱۲ جولای، در پی گفته کاندولیزا رایس، ارتش اسرائیل به‌بهانه دستگیری یک سرباز اسرائیلی توسط حزب الله، به خاک لبنان حمله کرد. در طول حمله، وزیر امور خارجه ایالات متحده در کنفرانس مطبوعاتی دیگری گفت:

درگیری‌هایی این‌چنینی "دردهای زایمان" لازمی است برای تولد خاورمیانه‌ای جدید.

بعد از ۳۳ روز جنگ، اکثر تأسیسات زیربنایی غیرنظامی لبنان طی حملات هوایی منهدم، بیش از یک هزار لبنانی کشته، و صدها هزار نفر آواره شدند. اما نهایتاً ارتش اسرائیل با تحمل یکی از بی‌سابقه‌ترین شکست‌های خود از نیروهای نظامی منطقه، مجبور به عقب‌نشینی شد. حزب الله نشان داد که تنها نیروی در لبنان است که می‌تواند در برابر تهاجم و تجاوز، از مرزهای کشور دفاع نماید.

طرح "خاورمیانه جدید" که قرار بود "دموکراسی" را به کشورهای منطقه "صادر" کند، علاوه بر بخشی از برنامه سلطه بلامنازع آمریکا بر جهان، هدف دیگری را نیز دنبال می‌کرد. این هدف را می‌شد از زبان دیک چینی مدیر وقت (۱۹۹۹) شرکت هالی برتن و معاون آتی جرج دبلیو بوش شنید که گفته بود: "مشکل ما در خاورمیانه، یعنی جایی در دنیا که بیشترین ذخایر نفت در آن قرار دارد، این است که این ذخایر نفت توسط دولت‌های منطقه کنترل می‌شود".

عملیات اسرائیل در لبنان و اشغال عراق توسط آمریکا در سال ۲۰۰۳ سرآغاز اجرای برنامه بلندپروازانه برای تغییر وضعیت ژئوپولیتیک منطقه از راه صدور دموکراسی بود. برای پیش‌برد موفق این برنامه، ایالات متحده، انگلستان و اسرائیل تصمیم برای ایجاد یک "هرج و مرج" تمام عیار برای مطیع کردن کشورهای نافرمان و ناموافق، هم‌پیمان شدند. برای این منظور سندی ستراتیژیک توسط یک افسر بازنشسته ارتش آمریکا به نام رالف پترز در سال ۲۰۰۶ تنظیم شد که پیشنهاد تغییر کلی همه خطوط مرزی را که توسط توافق سایکس - پیکو (۱۹۱۶) در میان کشورهای عربی و خط جدائی "دیورند" که توسط انگلستان (۱۸۹۳) میان (امارت) افغانستان و هندوستان (پاکستان فعلی) کشیده شده بود، می‌داد.

از جمله موارد اجرای این نقشه تقسیم کشور عراق به سه کشور یعنی کردستان در شمال، دولت سنی در مرکز و دولت شیعی در جنوب بود. با الحاق بخش شرقی عربستان سعودی و جنوب غربی ایران به این دولت شیعی، بزرگترین ذخایر نفتی دنیا گرداگرد خلیج فارس، تحت حاکمیت این دولت قرار می‌گرفت.

بخشی از مقدمات اجرای این نقشه در عراق، بعد از تهاجم آمریکا به آن کشور و تنظیم قانون اساسی جدید زیر نظر پل برمر رئیس امریکائی دولت موقت، انجام و عراق تبدیل به حکومتی فدرال شد. اما تا به حال تنها اقلیم کردستان توانسته است به استقلالی نسبی از دولت مرکزی دست یابد. آمریکا به‌دنبال متحدی بالقوه در قالب یک حکومت فراگیر از کردهای منطقه بود که می‌بایست مناطق گردنشین ترکیه، ایران، سوریه و عراق (هر دو غنی از منابع نفتی) را دربر گرفته و کرکوک (مرکز بزرگ نفتی عراق) و موصل (که آن نیز سرشار از منابع نفتی است) و نیز قسمت‌هایی از ارمنستان و جمهوری آذربایجان هم به آن افزوده می‌شد.

کاخ سفید در تلاش‌های خود برای بالکانیزه کردن منطقه، در میان اقلیت‌های قومی بر روی استقلال‌طلبی بلوچ‌ها حساب می‌کرد، قومی با منشأ راجه‌های دست‌نشانده انگلستان که در افغانستان، ایران و پاکستان به‌سر می‌برند. یک «بلوچستان آزاد» با الحاق منطقه جنوب شرقی ایران، بخشی از جنوب غربی افغانستان و نیز قسمتی از غرب پاکستان باید تشکیل می‌شد. قرار بود بخش‌هایی از ارمنستان و آذربایجان نیز به نفع «کردستان بزرگ» جدا شود، در عوض بخشی از شمال ایران تا مرز تبریز باید به آذربایجان منضم می‌شد. (۱)



در قسمت‌های بعدی سعی شده با بررسی موقعیت فعلی کشورهای منطقه، میزان موفقیت امپریالیسم بعد از قریب دو دهه تلاش برای تحقق این نقشه، ارزیابی شود.

## عربستان

عربستان دومین تولیدکننده نفت و صاحب دومین ذخایر نفتی در دنیاست، که برای استخراج و فروش نفت خود نیاز به امنیت دارد. این امنیت برای دهه‌ها از سوی آمریکا، متحد اصلی ریاض در غرب تأمین می‌شد. در مقابل دربار سعودی، این وفادارترین متحد آمریکا در میان کشورهای عربی، نیز با تأمین نیاز نفت صنایع آمریکا، اجرای سیاست‌های مورد نظر آمریکا برای دستکاری در بازار نفت و سیل خریدهای نظامی از آمریکا، پاسخ این لطف را می‌داد. اما در سال‌های ابتدایی قرن بیست و یکم زمزمه‌هایی در میان بخشی از سردمداران حاکم ایالات متحده، دایر بر تمایل به تغییر رژیم در عربستان شنیده شد. این زمزمه‌ها به‌خصوص بعد از حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، شدت بیشتری گرفت. در جولای سال ۲۰۰۲، محققى از اندیشکده "ظاهرأ" مستقل اما وابسته به نیروی هوایی ارتش آمریکا - رند، گزارشی با عنوان "حذف سعودی‌ها از جهان عرب" ارائه داد. به ادعای این گزارش "عربستان سعودی مظهر شیطان، عامل اصلی خصومت و خطرناکترین دشمن ایالات متحده است". گزارش در خاتمه توصیه می‌کرد که برای جلوگیری از هرگونه فعالیت ضد آمریکائی، به مقامات سعودی اولتیماتومی داده شود، با این تهدید که در صورت تخطی همه میادین نفتی کشور توسط نیروهای آمریکائی اشغال و خانواده سلطنتی هاشمی جایگزین دربار سعودی خواهد شد. بعد از وقایع ۱۱ سپتامبر، اف بی آی از سوی کمیته مشترک کنگره مأمور تحقیق ارتباط مقامات سیاسی عربستان با هواپیماربایان آن حادثه شد. در نتیجه این تحقیقات مشخص شد که در چندین مورد، پولی توسط همسر سفیر سعودی در آمریکا به حساب فردی نزدیک به هواپیماربایان ریخته شده است. شکایتی به مبلغ ۳ تریلیون دالر از سوی بازماندگان

قربانیان حادثه یازده سپتمبر، علیه مقامات سیاسی سعودی از جمله سه تن از خانواده سلطنتی، مؤسسات خیریه و وزارت دفاع آن کشور، در دادگاهی در امریکا ارائه شده و علی‌رغم گذشت بیش از بیست سال، هنوز تلاش وکلای مدافع شاکیان برای افشای اسناد طبقه‌بندی شده دولت، بی‌نتیجه مانده است. (۲)

بعد از انتشار عمومی نقشه "خاورمیانه جدید" که در آن کشور واحد عربستان سعودی را در آینده به‌صورت سه‌پاره نشان می‌داد، حکام سعودی تقریباً مطمئن شدند که نمی‌توانند برای درازمدت بر روی تضمین‌های این متحد زورمند خود در غرب تکیه نمایند. عوامل دیگری نیز موید تقویت این ظن بودند:

• با کشف و استفاده از روش‌های نوین استخراج نفت در امریکا، این کشور از بزرگترین مصرف‌کننده نفت، به بزرگترین تولیدکننده در جهان تبدیل شد. و نیاز به نفت عربستان دیگر اولویت حیاتی آن کشور به‌شمار نمی‌آید.

• مقامات امریکائی از زمان خروج نیروی‌های نظامی آن کشور از افغانستان، به‌صراحت اعلام کردند که حضور نظامی خود در خاورمیانه را به نفع تمرکز نیرو در شرق آسیا، شدیداً کاهش می‌دهند.

• حملات پهلادی به تأسیسات نفتی عربستان، ضربه‌پذیر بودن زیرساخت‌های حیاتی و بی‌دفاعی عربستان را هرچه بیشتر نمایان کرد.

مجموعه عوامل بالا دربار سعودی را بر آن داشت که برای تأمین امنیت خود به‌دنبال جانشینی برای امریکا باشند. مضافاً بر این که شاهد بودیم که خلأ ناشی از عدم حضور امریکا در منطقه با حضور روسیه و مهتر از آن ورود پُررنگ چین به منطقه جبران شد. پاسخ سرد به تقاضای بایدن برای افزایش تولید نفت و کاهش قیمت آن، توافق نظامی با روسیه و توافق ستراتیژیک و همه‌جانبه با چین همگی نشانه‌هایی از رویکرد جدید حکام سعودی است. توافق جدید میان ایران و عربستان با پادرمیانی دولت چین را باید از همین دیدگاه بررسی کرد، نمونه‌ای از توافقی برد - برد که منافع ایران، عربستان و چین را در ایجاد ثبات در منطقه تأمین می‌کند. "عربستان سعودی و ایران به دلیل وجهه مثبت چین در جامعه بین‌المللی از جمله در خاورمیانه، مایلند به چین اعتماد کنند، چرا که سیاست‌های چین بیشتر با منافع کشورهای خاورمیانه مطابقت دارد، در حالی که ایالات متحده تمایل به ترویج یک‌جانبه‌گرایی و گسترش هژمونی خود دارد و ارزش‌های خود را به روابط منطقه تحمیل می‌کند. هم عربستان سعودی و هم ایران از تجربه رابطه بلندمدت خود با ایالات متحده آموخته‌اند که واشنگتن قابل اعتماد نیست. واشنگتن فقط در پی استفاده از درگیری‌ها و مناقشات در خاورمیانه، به‌ویژه جنگ بین عربستان سعودی و ایران، برای ایجاد هرچ‌ومرج منطقه‌ای و تعمیق نفوذ خود در منطقه است. (۳)

## یمن

هشت و نیم سال جنگ داخلی، کشور یمن را نابود ساخته است. برآوردها نشان می‌دهد که حداقل ۳۵۰ هزار نفر به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم قربانی این جنگ شده‌اند که ۸۵ هزار آنها کودکان زیر پنج سالی هستند که از گرسنگی تلف شده‌اند. تمام زیرساخت‌های مدنی و زنجیره تأمین از میان رفته است. امراض ساده مسری مانند وبا که بر راحتی قابل مداوا هستند، تلفات بی‌شمار می‌گیرند.

جنگ عمدتاً میان دولت یمن به رهبری رشاد العلیمی که حکومت را بعد از برکناری عبدالله منصور هادی در ۲۰۲۲، به‌عهده گرفت، و جنبش مسلحانه حوثی‌ها جریان دارد. جنگ بعد از درگیری عربستان از سال ۲۰۱۵، به حمایت هادی (و اکنون علیمی) شدت بیشتری به خود گرفت. با شایعاتی که از حمایت ایران از حوثی‌ها وجود دارد، از دید ناظران غربی این جنگی نیابتی میان تهران و ریاض به‌شمار می‌آید.

خوشبختانه به نظر می‌رسد که این جنگ در حال خاتمه است. خبر رسانه‌های امریکائی در ۶ اپریل، دایر بر آتش‌بسی میان طرفین درگیر بود، که لافل تا پایان سال می‌باید بپاید. بعداً خبرگزاری المیادین لبنان گزارش داد که ریاض به رئیس شورای رهبری یمن اطلاع داده که در صدد پایان دادن به جنگ برای همیشه است. در ۱۴ اپریل هیأتی از مقامات عربستان بعد از بازدید از صنعا و مذاکره پیرامون "آتش‌بس همیشگی"، به عربستان بازگشت. این وقایع را باید نتیجه نزدیکی ایران و عربستان دانست که می‌تواند به پایان درگیری‌ها در یمن و سوریه، منجر شود. مسأله مهم، غیبت بایدن، که در نطق‌های انتخاباتی اش قول پایان دادن به جنگ یمن را داده بود و حضور چین در این تلاش‌های دیپلماتیک است.

جنگ یمن که بیش از یک دهه تقریباً با سکوت رسانه‌های غربی روبه رو بود، بی‌شک یکی از بیرحمانه ترین جنگ‌هایی است که جهان در تاریخ دوران جدید به خود دیده است.

ایالات متحده با وجود داشتن توان و روابط گسترده در خاورمیانه و علی‌رغم قول به توقف درگیری، آن چنان در ضدیت با صلح کوشید، که سرآخر دو دشمن دیرین، خود بر سر میز مذاکره نشستند و حالا به گزارش وال استریت جورنال، رئیس سازمان سیا، ویلیام برنز "خشم خود را" از مصالحه‌هایی که عربستان سعودی با دشمنان منطقه‌ای خود انجام می‌دهد، ابراز داشته است. ظاهراً ایالات متحده از سیل توافقات صلح در منطقه - چیزی که هرگز انتظارش را نداشته - کاملاً "غافلگیر" شده است. واضح است که در پشت این به اصطلاح ابراز "خشم"، حسی از غبن پنهان شده است. هرکسی که حداقل آشنائی با سیاست امریکا و به‌خصوص سیاست خارجی آن داشته باشد، می‌داند که در این زمینه قدرت مالی مجتمع‌های صنعتی - نظامی هستند که حرف آخر را می‌زنند، و از این نظر سیاست خارجی ایالات متحده در خاورمیانه، در سه دهه گذشته تنها صرف ایجاد درگیری‌های متعدد شده است.

در مقابل دولت چین رفتار کاملاً متفاوتی دارد. سهم چین چهارمین تولید کننده اسلحه در جهان به شهادت آمار، ۲/۵٪ در مقایسه با ۴۰٪ سهم امریکا در بازار اسلحه جهان است. شرکت‌های چینی به‌دنبال فروش کالا، خدمات، توسعه زیرساخت‌ها و عرضه محصولات قابل اعتماد و مقرون به صرفه هستند. این نحوه برخورد، محیطی باثبات، منظم، و قابل اتکاء را بوجود می‌آورد. بنابراین به یمن دیپلماسی چین است که شاهد نزدیکی میان ایران و عربستان و خاتمه جنگ هولناک یمن هستیم. زمانی که رئیس‌جمهور خلق چین در سفر خود به عربستان سعودی موافقت‌نامه‌ای برای همکاری درازمدت با عربستان و امارات عربی و راهکاری برای حل‌وفصل صلح‌آمیز مناقشات منطقه‌ای ارائه داد، فریاد چین‌ستیزان در ایران بالا گرفت که چین ایران را به قیمت نزدیکی به عربستان فروخته است! حال که نتیجه این تلاش‌های دیپلماتیک عیان شده، می‌بینیم که در پشت این ابتکارات چین، چه انگیزه‌های سازنده‌ای برای تشنج‌زدائی در منطقه آسیای غربی نهفته بوده است.

### سوریه، فلسطین و محور مقاومت

مطابق نقشه "خاورمیانه جدید" ایالات متحده در نظر داشت یک «اردن بزرگ» از به هم پیوند دادن ساحل غربی رود اردن، اردن کنونی و بخشی از شمال غربی عربستان سعودی ایجاد کند. نقشه برای متلاشی کردن سوریه در دستور کار امپریالیسم غرب و ارتجاع منطقه بعد از سرنگونی دولت قذافی در لیبیا قرار گرفت. اما با فداکاری مردم میهن‌پرست سوریه، محور مقاومت و کمک روسیه، این نقشه تا حد زیادی نقش بر آب شده و تنها در بخش کوچکی از سوریه هنوز نیروهای ضد مردمی به کمک ایالات متحده و تا حدی ترکیه به مقاومت در برابر دولت مرکزی ادامه می‌دهند. ثمره این نبرد مرگ و زندگی مردم سوریه به رهبری بشار اسد، تغییر روابط کشورهای عربی است که تا

دیروز از شورشیان حمایت می‌کردند. همه این کشورها اکنون به دنبال بهبود روابط با سوریه هستند. به گزارش ایسنا، به نقل از النشرة، نبیل قاووق، عضو شورای مرکزی حزب الله لبنان در سخنانی اظهار داشت: "جهان عرب امروز با توجه به منافع خود و به تصمیم خود، به سوی سوریه می‌رود؛ اما لبنان که بیشترین آسیب را از دوری از سوریه متحمل شده، در پیوستن به کشورهای عربی در این تصمیم (نزدیک شدن به سوریه) تأخیر می‌ورزد. (۴)" وی افزود: "کشور عربی که بیشترین نیاز را به روابط با سوریه دارد، لبنان است و کشوری که بیشترین بهره را از روابط با سوریه برده است، لبنان است، لبنانی که در از سرگیری روابط با سوریه تأخیر می‌ورزد، چراکه کسانی در لبنان هستند که منافع ملی و وطن را فدای راضی کردن امریکا می‌کنند".

در پی حملات اخیر اسرائیل به مردم فلسطین اسرائیل با عکس العمل بی‌سابقه‌ای از سه جبهه روبه رو شد. جواب سخت گروه‌های مقاومت فلسطین در داخل و هم چنین از ناحیه جنوب لبنان و همزمان شلیک چند راکت از ناحیه بلندی‌های جولان در سوریه، حامل پیام مهمی به اسرائیل بود که از این به بعد هرگونه حرکت تجاوزگرانه‌اش با عکس العمل مشترک سه نیروی مختلف محور مقاومت روبه رو خواهد شد. وب سایت کرادله به نقل از مقاله منتشره در روزنامه وال استریت جورنال به تاریخ ۱۵ اپریل، به نگرانی اسرائیل از واکنش هماهنگ محور مقاومت - از جمله ایران، سوریه، حزب الله، حماس، و جهاد اسلامی فلسطین - در پاسخ به تجاوزات قهرآمیز آن کشور اشاره دارد. روزنامه با استناد به منابع ناشناس نوشت که اسماعیل قآنی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب ایران، در هفته‌های اخیر مجموعه‌ای از جلسات مخفیانه را با رهبران مقاومت در سراسر منطقه برگزار کرده است. فرمانده سپاه قدس در هفته دوم اپریل به لبنان سفر کرد و با رهبران حماس، حزب الله و سازمان جهاد اسلامی فلسطین دیدار کرد. این دیدار، همزمان با رگبار راکت‌هایی بود که از جنوب این کشور به سمت اسرائیل شلیک شد. این بزرگترین حمله از زمان جنگ سال ۲۰۰۶ بین حزب الله و اسرائیل بود. راکت‌هایی نیز از غزه و سوریه به سوی اسرائیل شلیک شد. اسرائیل نیز در پاسخ، اهدافی را در دو ناحیه مورد حمله هوایی قرار داد.

این روزنامه گزارش داد که در اواخر ماه مارچ، جنرال قآنی جلساتی در سوریه با اعضای گروه‌های مقاومت فلسطینی برای بحث در مورد حمله هماهنگ احتمالی به اسرائیل برگزار کرد. به گفته این منابع، قآنی به حاضران گفت که ایران اطلاعاتی در مورد برنامه‌های اسرائیل برای عملیات علیه اعضای حماس و جهاد اسلامی در سوریه و لبنان به دست آورده است.

این منابع همچنین مدعی شدند که در ۳ اپریل، مستشاران سپاه پاسداران در بیروت حضور یافتند تا برای حمله به اسرائیل برنامه‌ریزی کنند. مقاله به نقل از قآنی نوشت: "حمله به اهداف اسرائیل ظرف چند روز آینده در پاسخ به حملات اسرائیل است که منجر به کشته شدن مستشاران ایرانی در سوریه شد". مقاله خاطر نشان می‌کند که "اسرائیل اکنون از حملات جدید در جبهه‌های مختلف می‌ترسد" و "نگرانی اسرائیل" درست به دلیل "تلاش جنرال قآنی برای هماهنگی عملیات نیروهای محور مقاومت است".

افزایش اتحاد و هماهنگی جناح‌های مختلف مقاومت در زمانی صورت می‌گیرد که اسرائیل در سال‌های اخیر صدها حمله را علیه نیروهای سوری و ایرانی در سوریه انجام داده است. مقامات ایرانی گفته‌اند که حملات اخیر اسرائیل در سوریه باعث کشته شدن چندین مستشار نظامی سپاه پاسداران از جمله یک مشاور نزدیک به رهبری سپاه شد. تلاش قآنی برای هماهنگی، همچنین در جهت پاسخ به اسرائیل به حملات نظامی، تخریب خانه‌ها و گسترش شهرک‌سازی در کرانه باختری است که از زمان انتخاب نخست‌وزیر بنیامین نتانیا هو، شدت بی‌سابقه یافته و به نوبه خود با افزایش حملات فلسطینیان به سربازان و شهرک‌نشینان اسرائیلی مواجه شده است.

تشنج‌ها در منطقه به‌دنبال چندین حملهٔ پولیس اسرائیل به نمازگزاران مسلمان در مسجد الاقصی در بیت‌المقدس در ماه مبارک رمضان بیشتر شده است. (۵)  
ادامه دارد

#### زیرنویس‌ها

۱- <https://www.globalresearch.ca/plans-for-redrawing-the-middle-east-the-project-for-a-new-3882middle-east/>

۲- “Behind The Invasion of Iraq”, Research Unit for Political Economy. Monthly Review Press

۳- “استقبال خاورمیانه از گامهای صلح‌آمیز چین و مخالفت با هژمونی امریکا”. مجلهٔ هفته، ترجمه از گلوبال تایمز

۴- <https://khabarban.com/37554353>

۵- <https://thecradle.co/article-view/iran-israel-conflict-enters-unpredictable-new-23703>

[phase-wsj](#)